

غلو پڑوہی
ابزار شیعہ ستیزی

فرج اللہ عفی

سرشناسه	: عقیقی - فرج الله .
عنوان و نام پدید آورنده	: غلو پژوهی ابزار شیعه ستیزی / فرج الله عقیقی
مشخصات نشر	: تهران : راه نیکان ، ۱۳۹۱ .
مشخصات ظاهری	: ۲۲۰ ص
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۶۳-۰
موضوع	: غلو
موضوع	: اسلام - تحریف
موضوع	: اسلام ستیزی
موضوع	: شیعه شناسی
موضوع	: بدعت و بدعت گذاران
موضوع	: تبلیغات ضد اسلامی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۷۸ ۷/۳۷/۲۳۵ BP
رده بندی دیوبند	: ۲۹۷/۴۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۲۷۱۱۷
تاریخ درخواست	: ۱۳۹۰/۱۰/۲۷
تاریخ پاسخگویی	: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵
کد پیگیری	: ۲۶۲۳۶۷۲



نشر راه نیکان

بخش معارف

غلو پژوهی ابزار شیعه ستیزی

تالیف : فرج الله عقیقی

چاپ اول: ۱۳۹۱ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۶۳-۰ ISBN : 978-964-2998-63-0

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شماره ثبت مجوز: ۱۱۵۲۷۲۷

Info@nashr-nikan.com

www.rahenikan.com

سخن ناشر

در این زمان که «عصر یکار سرنوشت ساز ارزش های الهی با تهاجم شیطان های زر و زور جهانی»^۱ است به فرموده ولی امر مسلمین «در بُعد اعتقادی، دیگر آن شبهات توحید و خداشناسی و اصل دین که زمانی رایج بود خیلی نیست؛ لکن شبهات گوناگون دیگری مطرح [است]، شبهاتی مربوط به امام زمان - عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - شبهاتی از ناحیه وهابیت به عقائد شیعی^۲ شبهاتی مربوط به نظام ملایم یعنی ولایت فقیه...»^۳ را طرح نموده رواج داده اند. تردید نیست همانطور که فرموده اند: «هر حرکتی که در جهت اغتشاش ذهنی مردم صورت بگیرد از جانب شیطان است.»^۴

۱- از امام خامنه ای درج در حدیث ولایت: ۸۶/۳

۲- به کتاب وهابیت کانون فتنه استعمار رجوع نمایند.

۳- امام خامنه ای: حدیث ولایت: ۳۱۹/۳

۴- از حضرت ایشان درج در هزار نکته از هزار جمعه: ۱۶۴

این هشدار حکیمانه هم تعیین‌کننده وظیفه است و هم دستور که حتی در انجام وظائف شیعه بودن موجب اغتشاش ذهنی نشویم. پس عصری که ولی امر جهان اسلام توجه داده‌اند: «مجموعه‌ی اسلام، از سوی دشمنان مورد تهدید است.» و تأکید نموده‌اند: «امروز از سوی قدرت‌های استکبار جهانی، اصل دین مورد فشار و تهدید است.»^۱ عصری که «کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می‌کنند، کتاب و مقاله می‌نویسند تا شیعه و تشیع اهل بیت پیامبر ﷺ را به باد حمله بگیرند و به مقدسات اهانت کنند.»^۲ مسئولیت شیعه بودن سنگین است، زیرا فرموده‌اند: این همان توطئه «جدا کردن شیعه از اهل بیت است» که می‌خواهند بگویند: «شیعیان به اهل بیت کاری ندارند.»^۳

در صورتی که تشیع؛ قامت اعتقادی اسلام ناب محمدی است که عالی‌ترین و بی‌نقص‌ترین تعریف از اسلام را در تمامی آنچه به اسلام مربوط می‌شود ارائه داده و می‌دهد. با الهام‌گیری از امامان شیعه، که به فرموده حضرت امام صادق علیه السلام «الْأَئِمَّةُ بِمَنْزِلَةِ رَسُولِ اللَّهِ»^۴ ائمه طاهرین به منزله رسول الله هستند، جز آنکه پیامبر نیستند. رسول خدا

۱- امام خامنه‌ای: حدیث ولایت: ۲۹۱/۴

۲- از حضرت ایشان در حدیث ولایت: ۱۶۵/۷، ۱۶۴

۳- از حضرت ایشان در حدیث ولایت: ۹۹/۸

۴- الکافی: ۵۰/۷ + بحارالانوار: ۲۷۰/۱

نیز فرموده‌اند: «شُرَكَائِي الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ...»^۱ یعنی شریکان من کسانی هستند که خداوند، آنها را به خود و به من پیوند داد.

آری آیه مبارکه «أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ»^۲ تفهیم می‌کند: اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام همانند علی به منزله جان پیامبر اکرم هستند.^۳ که به اعتقاد علامه کراجکی اگر معرفت امام عادل در هر عصر و اطاعت او نباشد، معرفت خدا را اطاعت نفعی نخواهد داشت.^۴ و لذا «مردم مظلوم شیعه»^۵ که پیروان بی‌چون و چرای آن ذوات مقدسه‌اند به همین شرافت خاص مورد ظلم و اِذْلال آنان قرار گرفته‌اند که راه از اهل بیت علیهم‌السلام جدا کرده‌اند. حریفی نیست، شیعه با خصوصیت مظلومیت شناخته شده چنان که به فرموده ولی امر مسلمین اهل بیت علیهم‌السلام: «همواره مظلوم بودند. وَلَمْ تَزَلْ أَهْلَ الْبَيْتِ الْمَظْلُومِينَ وَ همچنان مظلوم هستند؛ به خاطر این که برای بیماری از مسلمین معارفشان شناخته نیست و راهشان مشخص نمی‌باشد.»^۶ که ای کاش به همان نشناختن معارف شیعه خلاصه می‌شد؛ که از همان صدر اسلام نشد.

۱- شواهد التنزیل: ۲۰۲/۱۸۹/۱ + الاعتقادات و تصحیح الاعتقادات / شیخ

صدوق: ۵ ح ۱۲۱ + سلیم بن قیس: ۶ ح ۶۲۶

۲- آل عمران: ۶۱

۳- ادب فنای قربان؛ علامه جوادی آملی: ۲۳۷/۲

۴- بحارالانوار: ۹۳/۳۷

۵- امام خامنه‌ای درج در حدیث ولایت: ۲۰۸/۸

۶- از حضرت ایشان در حدیث ولایت: ۹۴/۸

زیرا فرموده‌اند: «در زمان امیرالمؤمنین بزرگترین مشکل، وجود یک جناح علی‌الظاهر مسلمان، با همه شعارهای اسلامی بود که در اساسی‌ترین مسئله دین منحرف بودند.» سپس اشاره به علت انحراف نموده، فرموده‌اند: «اساسی‌ترین مسئله دین، مسئله ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایه توحید است. ولایت یعنی حکومت، که در جامعه اسلامی متعلق به خداست، و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولی مؤمنین می‌رسد. آنها در این نکته شک داشتند، دچار انحراف بودند و حقیقت را نمی‌فهمیدند. هرچند ممکن بود سجده‌های طولانی هم بکنند» آری، ائمه طاهرين در پی علی بن ابیطالب - سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - همه «ولای المؤمنین» هستند و به اعتبار فرمایش امام صادق علیه‌السلام که از نظر گذشت، به منزله رسول الله ﷺ می‌باشند.

این موقعیت، نه فقط تعیین‌کننده‌ی شخصیت آن عرشیان خاک‌نشین است، بل تعیین‌کننده‌ی وظیفه‌ای است که به مسلمانی مربوط می‌شود؛ زیرا ولایت ایشان، ولایت رسول خدا و ولایت الله است. چنان‌که رسول الله به ابن عباس درباره‌ی ائمه فرموده‌اند: «وَلَا يَتَّبِعُهُمْ وَلَا يَتَّبِعُونِي وَلَا يَتَّبِعُونَ آلِيَّ وَلَا يَتَّبِعُونَ آلَ اللَّهِ»^۱ ولایت آنان، ولایت من است و ولایت من ولایت خدا است.

۱- نقش‌نگار، مروری بر زندگانی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام برگرفته از بیانات مقام

معظم رهبری، محمد محمدیان: ۸۲-۸۳

۲- کفایة الاثر: ۱۸

به همین اعتبار به عناوین مختلف که از جمله آنها «غلوپژوهی» مغرضانه است مورد دشمنی قرار داشته و دارند و به لحاظ این ناجوانمردی‌ها هر نوع کوتاهی در برابر حقوق ایشان، بازگشتش به پیامبر خدا و حضرات خداوند متعال است. چنانکه قرآن عظیم اطاعت ایشان را اطاعت رسول خدا و حضرت حق تعالی می‌داند.^۱ پس نیاز به استدلال عقلی که قرآن و احادیث باشد - و عقلی نداریم تا اشاره کنیم: مخالف با ائمه طاهرين (علیهم‌السلام) تخلف از رسول خدا و مخالفت با ذات اقدس اله است؛ زیرا امام رضا (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «الْأَيُّمَةُ خُلَفَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ».^۲ به این معنا سکوت در مقابل دشمنان تشیع، سکوت در مقابل امامت است و سکوت در برابر این کسان، بل ناکسان سکوت در مقابل دشمنان نبوت و توحید است که تردید نیست حرام، و شاید مقدمه خروج از دین مبین باشد.

پس وظیفه داریم همانطور که حضرت ولی امر مسلمین آیه‌الله العظمی خامنه‌ای - مد ظله‌العالی - فرموده‌اند: «باید به تناسب تهمت‌هایی که به ما می‌زنند و به تناسب فحش‌هایی که به ما می‌دهند و به تناسب کتاب‌هایی که علیه ما می‌نویسند، نیازها را بدانیم».^۳ بدانیم تا به وظیفه شیعه بودن عمل کنیم. بدانیم تا مانع تحریف و

۱- سوره نساء: آیه ۵۹

۲- الکافی / چاپ دوم دارالکتب الاسلامیه: ۱/ ۱۹۳ ح ۱

۳- حدیث ولایت: ۳/ ۳۱۹

تحذیف دین مبین شویم. **بدانیم** تا نگذاریم شیعه را از اسلام جدا کنند. **بدانیم** تا بگوئیم و بنویسیم تشیع روح اسلام خالص است و شیعیان مسلمانانی هستند که واقعاً مسلمانند. **بدانیم** تا هشدار دهیم ائمه به منزله رسول الله و در تمامی شئون - غیر از نبوت - با حضرتش هم‌رنب و منزلت می‌باشند. که به فرموده **امام خامنه‌ای**: در «گزینش علم و تقوا و جهاد و ورع و فداکاری در راه خدا»^۱ با علی بن ابیطالب - سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - یگانه امیرالمؤمنین عالم اسلام تفاوتی ندارند.

از کلام مبارک حضرت رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ نیز این فهم می‌شود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَفْرِهُمْ [أَيَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ] مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^۲ هر که بمیرد و ایشان [امامان اهل بیت رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ] را نشناسد، مرده است چونان در جاهلیت. و تردیدی نیست آنان که معرفت به امامان رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ ندارند، فضائل ایشان را فهم نمی‌کنند. معتقدان به فضائلی را که آنها نفهمیده‌اند **غالیان** می‌دانند، از جمله مصادیق این کلام نبوی هستند، که **چون فضائل ایشان را با معیارهای سلیقه‌ای سنجیده‌اند** و آنها را ساخته **غالیان** دانسته‌اند، اگر با چنین اعتقادی بمیرند، مانند افراد جاهلی مرده‌اند. این رساله پیرامون چنین مهمی که از گذشته‌های دور یکی از **ابزارهای شیعه‌ستیزی بوده** است، تألیف و تدوین شده؛ ما نیز خوشحالیم که در

۱- تشخیص و تعیین مدیریت جامعه: ۲۶/۵

۲- عیون اخبار الرضائیه: ۱۲۲/۲ ح ۱ + الکافی: ۳۷۶/۱ + محاسن برقی:

۲۵۱/۱، باب ۲۲ + بحار الانوار: ۷۶/۲۳ باب ۴

این مهم قابل اعتنا خدمتی کرده باشیم. و به آنان که به تبعیت از وهابیت نه سنی و نه شیعه به خود اجازه داده‌اند به حریمی وارد شوند که کار بس عظیم و مقدس است گفته باشیم «تو قیامت شو قیامت را ببین» که گفته‌اند «دیدن هر چیز را شرط است این» اگر سلمان و کمیل هم شویم ما را به خلوت حریم معرفت ائمه علیهم‌السلام راهی نیست. اگر عمار و میثم شویم یقیناً به کینه معرفت ائمه طاهرین علیهم‌السلام که آل‌الله‌اند پی نمی‌بریم و اگر اریس و ابوذر هم باشیم ما را به آن حریم که آستانه معرفت‌الله است راهی نیست که نیست تا تعیین‌کننده آنچه به شأن ایشان مربوط می‌شود باشیم البته علم حدیث‌شناسی موضوعی دیگر است. که مسلماً ضوابط و قواعد اجازه نمی‌دهند سلیقه محبان و مغرضان آل رسول خدا علیهم‌السلام در رد و قبول‌ها مؤثر افتد. آنان که به محبت غلو کرده‌اند و به دشمنی غرض ورزیده‌اند را به این پسند خوبان از ما بهتران سفارش می‌کنیم:

به گیتی مزین جز به نیکی نفس قدم زن تو در راه نیکان و بس

مدیر

نشر راه نیکان

۱۱ فروردین ۱۳۹۱

فهرست

۱۷	توضیح پیرامون نام کتاب
۲۱	پیش‌نوشتار
۲۵	یهود بنیان‌گذار تشیع ستیزی

غُلُو پژوهی ابزار شیعه‌ستیزی

۳۳	غُلُو
۳۶	پیشینه غلو
۳۷	انگیزه قرآن از طرح غلو
۴۰	رواج غالی‌گری در اسلام
۴۲	سابقه تاریخی غلو
۴۸	غلو در ارتباط با علی امیرالمؤمنین
۵۰	غلو در تعریف فروع دین
۵۲	آغازگران غلو

۵۶		وظیفه غلوپژوه
۶۰		غلوپژوهان
۶۴		مقدمه‌ای جهت چرائی ابتلاء تشیع به فتنه غلو
۷۸		نتیجه بخشنامه فضیلت سوزی و فضیلت سازی
۸۲		سبک غلو در سلیقه حدیث سازان
۸۹		غلو در ارتباط با شیعه
۹۴		غلو صوفیانه
۱۰۰		غالی تراشی عباسیان و سیله‌ای برای امام‌ستیزی
۱۰۴		ابوالخطاب
۱۰۵		ابن غضائری
۱۰۷		ابوالخطاب در دستگاه حکومتی عباسی
۱۱۰		پیچیدگی حرکت سیاسی ابوالخطاب
۱۱۴		سیاست رواج غلو در تشیع
۱۲۰		غالی نمی‌تواند شیعه باشد
۱۲۹		توضیح در بیان نظریه‌ای
۱۳۲		در این بخش نتیجه می‌گیریم چون
۱۳۵		آنجا که غلوپژوهی ابزار شیعه‌ستیزی است
۱۳۹		اشاره به
۱۴۳		توجه به این مهم سلیقه‌ای ضروری است
۱۴۴		نمونه‌ای از نق‌نق‌های مارک دار غلوپژوهان
۱۴۵		ملازمت قرآن و عترت لازمه دین مبین اسلام است

۱۴۹	غلوپژوهان تحریف‌گر حدیث ثقلین
۱۵۴	سند متن «کتاب‌الله و سنتی»
۱۶۰	دستاویزی دیگر به بهانه گردافشانی از
۱۶۳	استمداد از دیگرانی هم عقیده
۱۶۷	روش دیگر غلوپژوه تضعیف
۱۷۰	راه‌های انحراف‌شناسی
۱۷۵	سندسازی در اثبات غالی‌گری شیعه
۱۸۵	پناه‌گیری غالیان
۱۸۶	خداانگاری
۲۰۰	وظیفه چیست؟
۲۰۶	سؤال از ما جواب با شما
۲۱۰	نه غلو و نه تقصیر
۲۱۳	چگونه غالی و قاصر نشویم
۲۱۶	غلوپژوهان تندرو
۲۲۱	نکته پایانی
۲۲۲	دلیل‌یابی مخالفت با حدیث نزولونا
۲۲۷	ره تحقیق چنان پوئیم
۲۳۱	آب دریا را نتوان کشید
۲۳۳	برخورد ائمه طاهرين با اندیشه غالی‌گری

نشانه‌های شیعه‌ستیزی غلوپژوهان

- سبک غلوپژوهانه ابطال حدیث نزلونا عن الربوبیه ۲۳۹
- شنونده خود باید عاقل باشد! ۲۴۲
- روشن‌رندانه همصدا کردن مفاخر در ابطال نزلونا ۲۴۹
- غلوپژوهی یا مغلطه‌کاری؟ ۲۵۷
- برخورد جهت‌دار غلوپژوه با صاحب‌نظران شیعه ۲۶۳
- آیا اعمال سلیقه‌ها اعتباری دارد؟ ۲۶۸
- مشکل خویش‌نری صاحب‌نظران خواهیم برد ۲۷۱
- متن سؤال از آیات عظام و مراجع گرام ۲۷۴
- پاسخ به یک وسواس سلیقه‌ای ۲۸۷
- اسناد کتاب ۲۹۱
- مصادر و مآخذ ۲۸۵

توضیح پیرامون نام کتاب

یکی از لازمه‌های تدوین کتاب و رساله، نام و عنوانی است که نویسنده جهت اثر خود انتخاب می‌کند. گاهی عنوان و نام اثر، مانند «تفسیر...» بدون توضیحی کنایه‌آمیز است؛ زیرا شخص در همان برخورد اول متوجه می‌شود این کتاب پیرامون قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی نوشته شده است. متقابلاً در خیلی موارد می‌بایست نویسنده به علت و حکمت نام‌گذاری اثری که می‌آفریند اشاره کند تا خواننده متوجه علت و انگیزه تالیف و تدوین آنچه را که جهت مطالعه انتخاب کرده است بشود.

کتابی که در دست دارید برخلاف این که نامش تعریف‌کننده موضوع مورد بحث می‌باشد، و بی‌نیاز به توضیح حکمت انتخاب این نام برای کتاب را دارد که چرا «غلوپژوهی» با عنوان «ابزار شیعه‌ستیزی» تعریف و معرفی شده است. در حالی که غلوزدانی از دین مبین و غالی‌شناسی در خیلی از مواقع لازمه شرعی است. ولی چرا باید چنین ضروری که به تشیع نیز مربوط می‌شود با تعبیر «ابزار شیعه‌ستیزی» معرفی گردد؟؟

علت مهمی را که در طول کتاب حاضر مورد بحث و تحقیق قرار گرفته، نمی‌توان در صفحه‌ای که پیش روی دارید و مشغول مطالعه آن هستید خلاصه کرد؛ ولی به حکم «آب دریا را اگر نتوان کشید» می‌توان به «قدرِ ذره‌ای چشید». با توضیحی کوتاه به حکمت انتخاب این نام با عنوان «ابزار شیعه‌ستیزی» اشاره می‌نمائیم:

غلوپژوهی باید براساس ابطال موضوعات اغراق‌آمیزی باشد که نه فقط در دین مسیح اسلام جایگاهی ندارد، بلکه زمینه‌ساز رواج کفرگویی و تناقضات دینی می‌شود؛ مثلاً در ارتباط پیامبر و امام، الوهیت قائل شدن، یا امام را پیامبر خواندن، که اگر این مهم تحریف‌کننده اساسی‌ترین اصول اعتقادی در دین دیده شد، باید براساسی که شارع مقدس معین فرموده، و تعریف‌کننده ضابطه و قاعده امر **غلوپژوهی** است به دفع چنین خطری که «غلو» در حق پیامبر یا امام می‌باشد پرداخت. آنچه در این انجام وظیفه باید مورد توجه قرار گیرد این مهم حساس است که **غلوپژوه** از حد و حدود معین شده تجاوز نکند و کار غلوزدانی مقدمه‌ای برای فساد دیگری در دین مسیح نشود. مهم‌تر به بهانه غلوپژوهی به ساحت مقدس امامت و امامان علیهم‌السلام تعرض خصمانه و هابی‌مآبانه صورت نگیرد که متأسفانه در خیلی موارد چنین بوده است. این هدف‌گیری حساب شده آنگاه که ضروریات مذهب شیعه، روح اسلام اصیل را مورد حمله قرار می‌دهد، ضروریات دین مسیح را که تحت هیچ عنوانی «غلو» محسوب نمی‌شود، به بهانه غلوزدانی از دین مورد حمله‌های ناجوانمردانه قرار می‌دهند. مسأله غلوپژوهی همان «ابزار شیعه‌ستیزی» بل «امام‌ستیزی» است که باید با آن برخورد شود؛ زیرا تردیدی نیست چنین غلوپژوهی

که با ادعای تشیع، مسأله حساس و دقیق و لازم غلوپژوهی را وسیله‌ای برای اعمال اغراض ضدشیعی نموده، به فرموده یکی از مفاخر علمی شیعه که به آن اشاره خواهیم کرد «اگر وهابی نباشد شیعه‌ی منحرف است»

برای بی بردن به چنین منظوری که سر و سر غلوپژوه ضدشیعه را مشغول کرده، توجه به مهماتی نظیر امضاء «کمین خادم کتاب و سنت» که غلوپژوه ۳۲ ساله مورد نظر ما خود را معرفی کرده کافی است زیرا «سنت» را جایگزین «عقید» کرده است و این به حریمی وارد شدن است که شخص را از حوزه اطاعت نبوی و ائمه طاهرين (علیهم السلام) خارج می‌سازد که نه فقط حرام، بلکه بدعت در معارف اعتقادی است.

به همین لحاظ است که به مقداری از آنها که در کتاب پرداخته شده، عنوان «ابزار شیعه‌ستیزی» را معرفی نوع غلوپژوهی مورد نقد دانسته، به آن پرداخته‌ایم. در صورتی که غلوپژوه مورد نظر مدعی است «معتقد صحیح را جز معتقد ایشان [معصومین (علیهم السلام)] نمی‌شماریم».^۱ و این که چرا در بعضی موارد عنوان «امام‌ستیزی» را به‌کار گرفته به لحاظ‌هایی که غلوپژوه ما بر آن اصرار داشته برای نمونه اصرار دارد علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - دارای مقامات و کمالات پیامبر اکرم نیستند.^۲ در صورتی که آن حضرت به استناد احادیث نبوی جز رسالت در مناقب و فضائل شریک بوده‌اند.

خاک پای شیعیان

فرج الله عفی فی

پیش‌نوشتار

با توجه به جایگاه رفیع ائمه طاهرين عليهم السلام در کنار دو اصل اصول اعتقادی توحید و نبوت، باید بذیرفت، بل یقین قلبی داشت ائمه معصومین عليهم السلام عالم‌ترین و آگاه‌ترین مردم هستند؛ که اگر اعتقاد به آنچه خدای تعالی و رسول بزرگوارش حضرت خاتم پیامبران در تعریف و تعیین موقعیت ایشان فرموده، آن را برای امت اسلامی وظیفه عقیدتی دانسته‌اند، ضمیمه عقیده به توحید و نبوت نبوده صلاحت و گمراهی در پی خواهد داشت. زیرا نجات و سعادت در این است که از آن ذوات مقدسه تبعیت کنیم؛ نه از آنها عقب بمانیم و نه بر آن ذوات مقدسه پیشی بگیریم. چنانکه علی بن ابی طالب - سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - فرموده‌اند: «إِنِّي وَ أَهْلَ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ، فَلَا تُسَبِّقُوهُمْ فَتَضِلُّوا، وَلَا تَخْلِفُوا عَنْهُمْ فَتَزِلُّوا وَ لَا تَخَالِفُوهُمْ فَتَجْهَلُوا...»^۱ یعنی: «من و خاندانم پاک هستیم.

۱- تفسیر قمی: ۴/۱ + اثبات الهداة: ۷۲۴/۶۳۱/۱ + بحار، ج ۲۳، ص ۱۳۰.

پس، از آنها پیشی نگیرید که گمراه شوید، و از آنها عقب هم نمانید که بلغزید؛ و با آنها به مخالفت برنخیزید که نادانی یابید...»

آری به اعتبار موقعیت خاص ائمه اهل بیت علیهم‌السلام که در تمام خلقت کسی به آن حریم راه نیافته است، اسلام اهل بیت که مذهب پیامبر و ایشان، خواص و پیروانشان می‌باشد، همان دین قیم^۱ و «أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...»^۲ است که جز تشیع نیست، همان هدایت خدای تعالی است که فرمود: «هرکس از هدایت من پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه در رنج خواهد بود.»^۳ و به همین خصوصیت خاص الخاص است که فقط تشیع عالی‌ترین و بی‌نقص‌ترین تعریف را از اسلام دارد. و شیعه همان مسلمانی است که آئین او، یعنی اسلام اهل بیت، حقیقت و معنای واقعی «صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا» است. راهی که چون شیطان بر سر آن راه نیست، طریق بدون اعوجاج و هر نوع انحراف، که به محبت پیامبر اکرم و ائمه طاهرین، با تعریف قرآن ناطق که حقیقت صراط مستقیم قرآن می‌باشد طی می‌شود. راهی که به هدایت و اتِّجاء به آن ذوات قدسی خود را قرب الهی، هدایت و دلالت می‌کند. معنای کلام «نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا حِزْبُ اللَّهِ وَ حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»^۴ که خصوصیت و شأن مذهب اهل بیت علیهم‌السلام است، هم راه رسیدن به قرب الله است و

۱- قُلْ إِنَّمَا هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا... (سوره انعام: ۱۶۱)

۲- یعنی: «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید» (انعام: ۱۵۳)

۳- فَمَنْ اتَّبَعَ هَذَايَ فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْغَى (طه: ۱۲۳)

۴- از امام صادق علیه‌السلام یعنی: «ما و شیعیان ما حزب خدا هستیم و حزب خدا پیروز خواهند بود.» (میزان الحکمه: ۳۷۱/۲)

هم رضوان الله^۱ و هم به حکم بیان رسول خدا ﷺ ائمه طاهرين عليهم السلام راهبران به سوى خدا هستند.^۲ به جانِ جان فهم می‌کند.

یادم از سؤال بادیه‌نشینی آمد که به پیامبر اکرم عرض کرد: آیا بهشت بهائی دارد؟ فرمود: «آری». پرسید: بهایش چیست؟ فرمودند: «کلمه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ که بنده صالح آن را از روی اخلاص بگوید». بادیه‌نشین عرض کرد: اخلاص آن چیست؟ پیامبر خدا فرمودند: «عمل کردن به آنچه برای آن فرستاده شده‌ام و دوست داشتن اهل بیت من». عرض کرد: دوست داشتن اهل بیت شما از حقوق این کلمه است؟ فرمود: «آری، دوست داشتن آنان بزرگترین حق آن است». و این معنای «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ»^۳ است که امام صادق علیه السلام فرمودند: آیا دین غیر از محبت است؟ البته قابل توضیح و تذکر است: نه هر محبتی، بل دوستداری کسانی که معنای «وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ»^۴ هستند و نظام دین بستگی به حب اهل بیت علیهم السلام دارد. زیرا علی امیرالمؤمنین فرموده‌اند: «حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ»^۵ دوستی ما خاندان نبوت، نظام دین است. به فرموده امام خامنه‌ای: «تشیع آئین محبت است».

۱- «فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلُ إِلَيْكَ وَ الْمَسْلُكُ إِلَى رِضْوَانِكَ» پس آنها [اهل بیت] راه به سوی تو و مسیر رضوانت بردند. (دعای ندبه)

۲- «إِنَّ أَيْمَنَكُمْ فَأَيْمَنُكُمْ إِلَى اللَّهِ...» (بحار الانوار: ۳۰/۲۳)

۳- امالی طوسی: ۵۸۳ ۴- روضة الواعظین: ۴۸۳

۵- آیا ایمان غیر از حب و بغض است (سفینه البحار، ماده حب)

۶- بحار الانوار: ۱۸۳/۷۵

دین و آئین و طریقه‌ای مثل تشیع [می‌باشد] که با محبت سروکار داشته است. علت این هم که چنین فکری تا امروز مانده - در حالی که این همه با آن مخالفت کرده‌اند - این است که ریشه در زلال محبت داشته^۱ «محبتی که نتیجه‌اش به اعتبار «حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَ ذُرِّيَّتِي إِشْتِكَمَالُ الدِّينِ»^۲ اکمال دین است و این صاحبان کمال، همان شیعیانِ اهل بیتند؛ زیرا رسول خدا فرموده‌اند: «...مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي، وَ هُمْ شَيْعَتِي»^۳ که مذهبشان اسلام اهل بیت است و به نعمت دوست داشتن اهل بیت، صاحبان ایمان کاملند که پیامبر خدا فرمودند: «لَا يَتِمُّ الْإِيمَانُ إِلَّا بِمَحَبَّتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۴ ایمان کامل نشود، مگر با دوست داشتن ما اهل بیت. به همین شرافت به خیر دنیا و آخرت رسیده‌اند؛ زیرا پیامبر اکرم بارها محبت اهل بیت علیهم‌السلام را سعادت دنیوی و اخروی دانسته، فرموده‌اند: «هرکس که خدا محبت اهل بیت من را روزی او قرار دهد، به تحقیق به خیر دنیا و آخرت رسیده و نباید شک کند که او در بهشت خواهد بود»^۵ آری این خصوصیت مذهب شیعه است که در صحیفه حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام درباره اهل بیت علیهم‌السلام آمده «بِهِمْ أَذْغَى كُلُّ قِتْنَةٍ عَمِيَاءَ جَنْدِسٍ»^۶ به وسیله آنها هرفتنه گمراه‌کننده ظلمانی دفع می‌شود. و

۱- حدیث ولایت: ۱۴۹/۶

۲- از رسول خدا یعنی: «دوست داشتن اهل بیت من و فرزندان من کمال دین است» (امالی صدوق: ۱۶۱) ۳- تاریخ بغداد: ۱۴۶/۲

۴- کفایة الاثر: ۱۱۰ ۵- میزان الحکمه: ۲۳۷/۲

۶- کافی: ۵۲۸/۱

به وظیفه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»^۱ تا آخرین روز دنیا که دین محمدی، دین الله است معنا می دهد.

یهود بیان‌گذار شیعه‌ستیزی

گرچه می توان همه ی دانشمندان اهل کتاب و راویان روایات جعلی و اسرائیلی را که به آئین مقدس اسلام گرویده بودند به سوءنیت و کذب و دسیسه علیه اسلام محکوم کرد، زیرا قبل از ظهور اسلام در شهر مدینه از موقعیت اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی برخوردار بودند و پس از اقامت پیامبر اکرم ﷺ در مدینه احساس خطر جدی کردند، در حقیقت موقعیت خود را از دست دادند، به این سبب، در صدد توطئه علیه اسلام و مسلمانان برآمدند. که مهم ترینش همدستی با مشرکان بود.^۲

ابوریقه به این که یهودیان با نقشه ضربه زدن، که تحریف اسلام از آن جمله است، مسلمان می شوند، توجه داشته، می نویسد: «یهودیان که سرسخت ترین دشمنان مسلمانان بودند، برای رسیدن به هدف های خود، به نیرنگ و فریب متوسل شده، در ظاهر به آئین اسلام روی آوردند و نیت ها و مقاصد خود را در ورای آئین خویش پنهان داشتند،

۱- آل عمران: ۳۱. یعنی: «بگو اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خدا [نیز] شما را دوست بدارد.»

۲- اسرائیلیات القرآن / محمد جواد مغنیه: ۴۲، ۴۳ + تاریخ بنی اسرائیل من اسفارهم: ۴۵۵

تا از این طریق، نیرنگ خود را بر ضد مسلمانان، جامه‌ی عمل بپوشانند.» سپس برای آن که شاهدی ارائه داده باشد، می‌نویسد: «زیرک‌ترین و حیل‌گرترین آنان، کعب‌الاحبار، وهب بن منبه و عبدالله بن سلام بودند... که به جعل در روایات نبوی پرداختند.»^۱

چنین مهمی با این که قابل اهمیت و توجه است، چون دشمنی و کینه‌توزی‌های یهود نسبت به اسلام همه‌گیر شده است، چندان مهم نیست. بل آنچه قابل توجه و اعتناست، اسناد امثال ابن تیمیه - که وهابیت بر پایه نقیضات او برپا شد - می‌باشد که به راویان یهودی این چنانی اعتماد کرده‌اند. محمدرشید رضا می‌نویسد: «ابن تیمیه در این جا آشکارا به روایات کعب‌الاحبار و وهب بن منبه اشاره می‌کند.»^۲

به هر روی آنچه ثابت شده است این مهم می‌باشد که یهود، دشمن دیرین اسلام با اعزام امثال کعب‌الاحبار، به تحریف اسلام پرداخته است. و عجب این که چرا امثال ذهبی، سعی دارند تلاش کنند با تطهیر کعب‌الاحبارها^۳ فتنه‌های یهود در اسلام را کم رنگ کنند! در حالی که طبق اسناد قوی، علی امیرالمؤمنین^۴ امام باقر^۵ امام صادق^۶ علیهم‌السلام

۱- اضواء علی السنة المحمدية / ابوریه: ۴۵

۲- تفسیر المنار: ۹/۱

۳- التفسیر و المفسرون فی توبه القشيب / محمدهادی معرفت: ۱۸۹/۱ تا ۱۹۴ + الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث / محمدحسین ذهبی: ۶۵ تا ۱۰۴

۴- نقش النعمه در احیاء دین / علامه عسکری: ۱۱۳/۶ الی ۱۱۵ به نقل از مجموعه ورام: ۲۳۶

۵- الکافی: ۲۳۹/۴

۶- خصال صدوق: ۳۵۲/۱

کعب‌الاحبار را دروغگو و جایش را در پائین‌ترین مرتبه‌ی دوزخ دانسته‌اند.

به هرروی یهود به موضوعی که بعد از ظهور اسلام دقت کامل داشت، مسئله مهم ادامه رهبری اسلام بود و سعی می‌کرد در تعیین آن نقش داشته باشد. به همین لحاظ از همان جایگاه که حضرت ختمی مرتبت به علی مرتضی‌علیه‌السلام یگانه امیرالمؤمنین عالم اسلام فرمودند: «شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ و این که فرموده‌اند: «إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمْ فِي الْجَنَّةِ»^۲ علی و شیعیان او در جنت هستند، بلکه در تعریف این مرتبه‌ی مخصوص علی مرتضی و شیعیان حضرتش، پیامبر اکرم ﷺ پرده از رازی بزرگ برداشته فرمودند: «بهشت، مشتاق چهار نفر است: علی بن ابیطالب، عمار بن یاسر، سلمان فارسی و مقداد»^۳. رسول خدا با این کلام تعیین‌کننده، اسلام غیر شیعی را از اسلام اهل بیت علیهم‌السلام جدا کردند تا گفته باشند مسلمان غدیری، مسلمانی است که با «أَلْيَوْمُ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۴ تعریف می‌شود. این مورد توجه یهود و نصارا که پیوسته از ظهور اسلام در بیم و وحشت بودند قرار گرفت. زیرا نحوه رهبری ختمی مرتبت این واقعیت را نتیجه داده بود اگر رهبری آینده اسلام با پیامبر عظیم‌الشان

۱- امالی صدوق: مجلس ۲۰، ۸۹

۲- مناقب خوارزمی: ۶۶ [۱۱۱ ح ۱]، ۲۰ + ۲۶۵ ح ۲۴۷ + تذکره سبط جوزی:

۳- صواعق محرقة: ۱۹۱

۵۴/۳۱

۴- سوره مائده: آیه ۳

آن در تمامی شئون جز نبوت، همسان باشد، به رهبری آینده اسلام برگزیده شود، به طور حتم و یقین در ارتباط با پیشرفت اسلام، همان تصمیم را پی خواهد گرفت که پیامبر دین مسیح در طول زعامت و رهبری داشته‌اند، و این سخت‌ترین ضربات کاری را بر نظام یهود و نصارا وارد خواهد ساخت. ولذا اهل کتاب در پی اندیشه بقاء خود دو اقدام را ضروری دانستند:

۱- اعزام نیروی وابسته پنهانی که به نام مسلمان در جامعه اسلامی حکم چشم و گوش یهود و نصاری را داشته باشند. توجه یهود به رویدادهای صدر اسلام تعریف کننده و توجه دهنده این است که اینان به گروه‌ها و دسته‌های مختلفی تقسیم شده بودند:

الف: گروهی گزارشگر حرکت‌های ضدیهود و نصاری بودند.

ب: عده‌ای مانند کعب الاحبار همیشه یهودی، مأموریت داشتند یهود و تورات را با نقل موضوعی از تورات در جامعه اسلامی زنده نگاه دارند.

ج: جمعی نیز راه‌حل‌های تغییر دادن مسیر رهبری مورد انتخاب و تأیید پیامبر اسلام را مورد بررسی قرار می‌دادند.

د: کارشناسانی نیز نوع فتنه‌ای را که به حق شباهت داشته و مانع به قدرت رسیدن وفاداران به پیمان غدیر باشد، مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دادند؛ که قرآن می‌فرماید: «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»^۱ که فهم آن جز در اهل بیت علیهم‌السلام و عالمان به کتاب الهی و به تبع آنها، تربیت یافتگان

۱- سوره بقره: ۱۹۱ و در آیه ۲۱۷ فرموده است: «الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ»

و علمای بیدار و دین‌شناس وجود ندارد.

ه: در کنار این کارشناسان، عده‌ای نیز افرادی را که آمادگی سرکردگی و اداره فتنه را داشتند، شناسائی می‌کردند.

۲. یهودیان به این اقدام که دارای شعبات فوق بود اکتفا نکرده، درصدی را از مسلمانان را که قرآن آنان را با نام منافق می‌شناساند و در طول تاریخ اسلام همیشه در خدمت دشمن بوده و هستند، آمادگی هر نوع همکاری علیه اسلام، خاصه شیعه را داشته و دارند، جهت اعمال نظریات سیاسی خود استفاده کنند.

مروری بر تاریخ اسلام ثابت‌کننده این واقعیت است. منافقان مسلمان‌نما که با یهود ارتباط داشتند، اغراض ضداسلامی یهود را در اسلام جوان عملی می‌کردند؛ خطوط انحرافی عقیدتی را با داشتن پیروانی خطرناک به وجود آوردند که از جمله علی‌ستیزان بودند.

این گروه اقدام رسمیت دادن به مخالفت با علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - را از زمان پیامبر اکرم به صورت مخالفت کردن با اوامر رسول خدا آغاز کردند. چنان که نوشته‌اند اعضای همین گروه قدرت طلب منتخب یهود، از غدیر خم، هم قسم شدند تا در مقابل علی ولی وصی برگزیده خدا و پیامبر اکرم به هر نوع ممکن بایستند لذا از هجرت تا غدیر، و بیش از آنچه در طول این مدت که زمان نظام دادن به حکومت اسلامی بوده است، از غدیر تا سقیفه به طور آشکار و همه‌فهم، از فرامین رسول خدا که تعریف‌کننده موقعیت رهبری آینده جهان اسلام بود، سرپیچی می‌کردند، سپس اظهار ندامت کرده، با ادعای

صائم بودن و توبه کردن، تجدید بیعت می نمودند؛ اینان با چنین رویه ای ابلیسانه هم جرأت سرپیچی از فرمان رسول خدا را که نافرمانی از امر الهی است رواج می دادند و هم قبح مخالفت با پیامبر اکرم را که فرما به کارشان می آمد از میان برمی داشتند؛ تا آنچه را تحت پوشش مسلمانی در سر و سر دارند، انجام دهند. سپس وانمود کنند همانطور که با حضور رسول الله از سرپیچی ها توبه می کردیم و با یک روز صائم بودن، خود را از این گناه پاک می نمودیم، امروز نیز برای کنار زدن علی بن ابیطالب، یگانه امیرالمؤمنین عالم اسلام، توبه کرده مستحق عفو رسول خدا می شویم.

محققانی که همچون احمد حسین یعقوب وزیر معارف اردن، این مقطع تاریخ اسلام را مورد تحقیق و بررسی قرار داده اند،^۱ گزارش کرده اند این خطرناک ترین نقشه استوای یهود و نصارا بود؛ زیرا می توانست هم سرپیچی از فرامین رسول خدا را که از گناهان نابخشودنی ضلالت آور است در بین مسلمانان رواج دهد، و هم در انظار عوام به کودتا رسمیت دینی بخشد. مصیبت بارتر، راه را برای زمامداری امویان، مروانیان، عباسیان و تا روزگار ما امثال شاهانی که برکشورهای اسلامی حکومت کرده و می کنند هموار سازد.

همین گروه منافق منحرف وابسته به غریبه های آن روزگار، در به قدرت رساندن افرادی که می توانستند برای آنان دستگیری کارساز باشند، همت داشتند. که خوشبختانه تاریخ دقیقاً به جزئیات آن اشاره نموده است.

از گروه همین منافقان، کسانی مأمور بودند در آئین مقدس اسلام اربابه فرقه‌سازی را با مناصبی مخصوص ائمه طاهرين عليه‌السلام مانند قطبیت تصوف به حرکت درآورند، اسلام یکپارچه را برخلاف اراده خدا و رسول بزرگوارش با فرقه‌هایی که در صدر اسلام به انگیزه مقابله با رهبری علی امیرالمؤمنین و اوصیاء بعد از حضرتشان به وجود آوردند، دچار مشکلی همیشگی ساختند. درواقع نه فقط جامعه اسلامی را برای همیشه دچار معضل تفرقه کردند، بلکه راه شیطنت را به شیطان‌زدگان نشان دادند. این گروه فرقه‌ساز از همان صدر اسلام که علی ولی‌وصی را از حق مسلم او کنار زدند، امت حضرت ختمی مرتبت را در مسیر خواست دشمنانی چون یهود و نصاری دیروز، و استعمار قدرت‌طلب امروز، به دنبال این و آن که به نوعی با انحراف از اسلام محمدی خود را برپا نگاه داشته‌اند، کشانده‌اند. همین گروه علی‌ستیز از کسانی مانند ابوهریره که ۲۱ سال قبل از هجرت به دنیا آمده، صاحب نام و آوازه هم بودند، استفاده کرد، به عنوان محدثانی که بدون واسطه از پیامبر اکرم اخذ حدیث نموده‌اند، مأموریت دادند با جعل احادیثی از قول رسول خدا، همان گروه کودناگر را با فضائل علی امیرالمؤمنین مورد تعریف و تمجید قرار دهند.

درواقع این گروه فضیلت تراش چون دیگران را با جعل حدیث از قول رسول خدا به تصور خام خود تا حد علی بن ابیطالب عليه‌السلام ارتقا دادند، غالیان اسلام محسوب شدند و می‌شوند؛ نه شیعیان که با «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ» امامت را در کنار نبوت و توحید قبول داشته و دارند.

از همین گروه بودند که می‌کوشیدند و هنوز هم می‌کوشند برای منحرفان از صراط مستقیم قرآن نظیر حسن بصری که در دشمنی او نسبت به علی بن ابیطالب علیه السلام شکی نیست، در کنار شخصیت‌هایی چون سلمان و ابوذر، مقداد و حذیفه، عمار و دیگران موقعیت‌سازی کند؛ غافل از این که تاریخ، بدنامانی چون حسن بصری فرقه‌ساز مشحرف از خاندان رسالت را با تمام مشخصات معرفی نموده، و آنان را با قید دلائل و شواهدی از خوش‌نامانی که قنبر و کمیل، مالک اشتر و اویس قرنی و... باشند، جدا نموده است.

تا گفته باشد آنان که به نام غلوپژوهی خدای تعالی را بهانه کرده تا پیامبر خاتم را مورد حملات قرار دهند و آنهایی که خدا و پیامبر را وسیله برخورد با امامان، خاصه علی علیه السلام نموده‌اند منافقان بدحالی هستند که کوشیده‌اند شیعه معرفی شوند؛ غافل از این که ترفندهای وهابیان حجازی در شیعه معرفی نمودن وهابیان وطنی مانند ابوالفضل برقی، این نوع خدعه‌های شیعه‌ستیزان را نقش بر آب کرده است.

حاکم پای شیعیان

فرج الله عفی